

فرهنگ جامع
تماثل خاندهای
ایران - جلد هفدهم

استان گیلان



تماشاگاه دان عالم سراسر تماشائی بکن از وی تو بگذر عطار

مقدمه

«طئاتر» و معماری از هم سوا نیستند. «معماری» مکانی برای دیدن و تماشاست. غفلت از معماری طئاتر، غفلت از ذات طئاتر است. بی‌توجهی به مکان اجرا، طئاتر را از هویت و معنا تهی خواهد کرد. افزون بر این، معماری امروز ما و مکان‌هایی که در آن زندگی می‌کنیم جلوه و عرض‌های از شیوه زیست و اندیشه ماست. بی‌ریشه بودن بسیاری از مطالعات و پژوهشهای تئاتر معاصر ایران، به دلیل بی‌دقتی و سهل‌انگاری نسبت به واقعیت‌های موجود است. در نبود داده‌های دقیق و جزئی‌نگر، اساس تحلیل‌ها چه مبنایی خواهد داشت و در چنین وضعی چگونه می‌توان به پرسش‌شناسی یا ساماندهی تئاتر کشور سخن گفت؟ برای درک وضع موجود تئاتر، و یا هر چه غیرتئاتر، جز رفتن، دیدن، جستن و فیش‌برداری‌های منظم چه می‌توان کرد؟! است از کار: «پراکسیس» مشاهده و حضور. کار تئاتر را به بیراهه می‌کشاند. اساس این پژوهش بر مطالعه میدانی، داده‌پردازی و طبقه‌بندی است که یکی از اهداف اصلی این کتاب به شناخت شمایل راستین تئاتر معاصر ایران است.

فرهنگ جامع تماشاخانه‌های ایران تا کنون در ۲۲ جلد به چاپ رسیده است. در این کتاب، صورت‌بندی شده و اینک، خوشبختانه یک به یک به زینت طبع آراسته می‌گردد. کار پژوهش این فرهنگ، بر اساس مشاهده و بازدید حضوری و ثبت و تحلیل آن و اطلاعات تالارهای نمایش در این استانها صورت گرفته است. نمونه این نوع پژوهش و شبیه به این، در کشورهای پیشرفته و صاحب تئاتر، متداول و مرسوم است. در این کتاب نیز، به آن تجربیات، نگاهی گسترده شده است. امیدواریم کار چند استان باقی‌مانده نیز بزودی انجام و حاضر گردد. همچنین چون وضعیت تماشاخانه‌ها از نظر امکانات و تجهیزات، در تغییر و تحول است، لازم است تا در فواصل منظمی چون شش ماهه یا یکساله، این داده‌ها به روزآوری گردد.

۱

منشأ معماری و ساخت تالارهای موسوم به "چند منظوره" یا اینکه اروپایی است اما در معماری ایران شکل و هیكلی تقریباً متفاوت از آن منظور یافته است. سالن چند منظوره به نوعی از معماری اشاره دارد که ملهم از معماری تالارهای قاب‌عکسی و پروستیمو اینهاست. این تالارها تنها برای اجرای تئاتر ساخته نمی‌شود و سخرانی، مراسم تودیع معارفه، جنگ و مناسبت‌ها، جشن و همایش و اجتماعات هم در آن بطور گسترده برگزار می‌شوند. گذشته و در اصل مضیقۀ بودجه و امکانات باعث بوجود آمدن چنین شکلی در معماری شده است اما باید اذعان داشت امروزه توجه بیشتر و در دستور ساخت قرار دادن بلک‌باکس‌ها، به جای صحنه‌های قاب‌عکسی، علاوه بر صرفه اقتصادی کارایی موثرتری در پی خواهد داشت.

تالارهای بلک‌باکس، به دلیل ایجاد ارتباط بی‌تفاخر و امکان چیدمان‌های وسیع‌ترشان برای طراحی صحنه و اجرای هر چه در نظر داشته باشند. علاوه بر این بلک‌باکس‌ها می‌توانند کارکرد چند منظوره هم داشته باشند و پاسخگوی نیاز برنامه‌های غیرتئاتری هم باشند ضمن اینکه این ساخت بلک‌باکس‌ها به مراتب زمان و هزینه کمتری صرف می‌شود و برای هنرمندان و دست‌اندرکاران فرهنگی هم کارایی بسیار بیشتری دارد. در حال حاضر بیش از ۹۰ درصد تالارهای ساخته شده دولتی در کشور بصورت قاب‌عکسی هستند.

۲

تکیه دولت، نخستین تماشاخانه به شیوه جدید در ایران است که سال ۱۲۵۱ خورشیدی تأسیس شد. شش سال پس از آن، در سال ۱۲۵۷، تماشاخانه دارالفنون گشایش یافت. تئاترهایی که به سبک فرنگی اجرا می‌شد به هیچ وجه تماشاگر عام نداشت و تنها برای دربار و شاه اجرا می‌شد. مقارن همین زمان ارامنه تبریز، تهران و رشت هم در ساخت و بنای مکان‌های نمایشی پیشگام شدند اما همچنان تماشاگران آنها شامل عموم مردم نبود. هنگامه انقلاب مشروطه اجرای تئاتر در پارک و باغ و محوطه‌های باز بیش از پیش رونق گرفت. انقلابیون تئاتر را به میان عموم مردم کشاندند و از این پس تماشاخانه‌های خصوصی موج تازه‌ای از اجراهای تئاتر را پدید آوردند. تئاترهایی که تماشاگرانی از طیف‌های گسترده بدان راه یافته بود.

تأسیس "سالن تئاتر آرامیان" تبریز توسط موسیو آرامیان، "تئاتر ملی" در تهران توسط محقق‌الدوله، "تالار آوادیس" در رشت توسط آوادیس هوردانانیان مورد توجه و استقبال خاص و عام قرار گرفت. غیر از موارد معدودی، تا دهه چهل صاحبان تماشاخانه‌ها عموماً دولت و حاکمیت نبود و روند ساخت و ساز و تأسیس تماشاخانه‌ها بطور خصوصی ادامه داشت. با اینحال گاهی حمایت‌های پراکنده دولتی از بعضی تماشاخانه‌ها صورت می‌گرفت. اما برای نخستین بار سال ۱۳۴۴ خورشیدی تماشاخانه سنگلج (۲۵ شه‌ریور) توسط دولت ساخته شد و حتی هنرمندان و عواملی هم به عنوان کارمند به استخدام آن در آمدند. از این زمان هم شکل جدیدی از تئاتر و هم رویه تازه‌ای از تماشاخانه‌سازی در ایران بوجود آمد. نسل جدیدی از نمایشنامه‌نویسان، کارگردانان و بازیگران پا به عرصه گذاردند و متناسب با آن معماری تازه‌ای هم در سر و شکل تئاتر قوام یافت. تماشاخانه سنگلج هنوز هم جزو معماریهای کم‌نظیر تئاتر ایران است که معمار آن مهندس یوگنی آفتان‌دیلیان بود. او بعدها دو تالار مهم دیگر هم ساخت: تالار وحدت (رودکی) و تالار فخرالدین اسعد گرگانی (تئاتر گرگان). روند ساخت و ساز تئاترهای دولتی با تأسیس اداره تئاتر، تئاتر شهر و کارگاه نمایش ادامه یافت اما از سویی دیگر تئاترهای خصوصی بیشتر در انحصار برنامه دسته‌جات و گروه‌های موسوم به لاله‌زاری و کاباره‌ای درآمده بود. با وقوع انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی، تئاتر و تماشاخانه‌ها کمتر مجالی برای استقبال عموم یافت. این وضعیت تا چند سال بعد و بازسازی ویرانی‌ها هم ادامه یافت. در این مدت و طی دهه ۶۰ و ۷۰ برگزاری جشنواره تئاتر فجر سهم بسزائی در رونق و حیات تئاتر داشته است. چند سالی است که روند ساخت و ساز تماشاخانه‌های خصوصی و دولتی سرعتی بیش از گذشته یافته است.

بیش از ۹۰ درصد یافته‌های این پژوهش، میدانی است و باقی آن با مراجعه به اسناد و کتابخانه‌ها و مراجع معتبر تهیه شده است. یافته‌ها شامل معرفی کلیه آمفی‌تئاترها و سالن‌های موجود در شهرهای مختلف ایران است که بصورت فعال و یا غیرفعالند که در حال حاضر در دسترس عموم قرار دارند و یا دسترسی به آن برای عموم ممکن است و به ویژه قابلیت اجرای تئاتر دارند. معرفی به انضمام نقشه تماشاخانه‌ها، اطلاعات رقی هر سالن و تصاویر از نماهای عمومی و جزئی آن است. این اماکن معمولاً زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شهرداری، آموزش و پرورش، بخش خصوصی و یا نهادهای دانشگاهی هستند. اما غیر از این، نهادهایی دیگر نیز بعضاً واجد سالتی برای اجرای تئاتر هستند؛ نهادهایی نظیر هاله‌ها، سیاه، بسیج، استانداری و فرمانداری. عموم اماکنی که در شهرهای مختلف مشهور به اجرای تئاتر هستند و گروه‌های تئاتری در آن اجرا داشته‌اند زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار دارند و از این نظر این پژوهش دربرگیرنده اطلاعات دقیق تمامی این اماکن است. پس از این شهرداری‌ها و آموزش و پرورش و اماکن دانشگاهی به ترتیب در اولویت موضوع قرار دارند. به دلیل آنکه سالنهای زیرمجموعه آموزش و پرورش و اماکن دانشگاهی عموماً برای استفاده دانش‌آموزان و دانشجویان در نظر گرفته شده‌اند دسترسی دیگر نهادها و عموم مردم به آنها کمتر امکانپذیر است. با این وجود این نهادها نیز چنانچه آمفی‌تئاترهایشان واجد امکانات موثری بوده مانع پژوهش و مطالعه نگردیده و از قلم نیفتاده‌اند. به سخن دیگر، گرچه پژوهش حاضر دربرگیرنده اطلاعات جامع تمامی تالارهای فعال در زمینه نمایش کشور است با اینحال در بسیاری موارد از تالارهای غیرفعالی که امکان تهیه اطلاعات جامع و دقیق از آنها وجود داشته نیز غفلت نشده و به گستردگی پژوهش افزوده است.

گزارش‌ها درباره معماری، ابزار و وسایل کاملاً با دقت ثبت شده و مربوط به وضعیت است که در همان روز و ساعت بازدید مشاهده شده است. مثلاً مواردی نظیر تعداد پرزکتورهای شبکه نورخان و یا منابع نوری سالم همواره در معرض تغییر است. گاهی ممکن است دیمربنا به دلایلی موقتاً در دسترس نبوده باشد. به همه این موارد اشاره شده و هدف این بوده تا تصویری شفاف از همان وضعیت مشاهده شده به نظر مخاطب برسد. اول هر بخش مقدمه‌ای مبسوط درباره حفظ و نگهداری و راهنمای تماشاخانه‌ها و اصطلاحات معمول آمده است. پس از آن مقدمه‌ای کوتاه درباره موقعیت جغرافیایی استان و وضعیت تئاتر و تماشاخانه‌های آن، فهرست تالارهای هر استان، چه فعال و چه غیرفعال، آمده که این فهرست بر اساس حروف الفبا به ترتیب نام شهرستانها منظم شده است. در هر بخش ردیفی که با رنگی، غیر از رنگ زمینه برجسته شده نشان دهنده آن است که در صفحات بعد بطور مشروح و مبسوط بدانها پرداخته شده و این یعنی تالی تالارهای شمال و همچنین عموم تالارهایی که پیش از این فعال بوده‌اند و یا قابلیت فعالیت دارند اما تا کنون مورد استفاده قرار نگرفته‌اند و در این زمینه پتانسیل‌های بالقوه و ظرفیت‌های موجود را مشخص می‌کنند. اطلاعات جامع هر تماشاخانه شامل چهار بخش است: داده‌های توصیفی، رقی، تحلیلی، کلی و جزئی هر تالار. در عکاسی از فضاهای داخلی و خارجی برای آنکه تمام جزئیات و واقعیت، دید طبیعی چشم انسان، نزدیک‌تر باشد و ماهیت مستندگونه آن حفظ شود از لنز واید پرهیز شد و برای عموم تصاویر از لنز نرمال استفاده گردید. تصاویر شامل نمای کلی و جزئی و زوایای مختلف تالار تماشا و صحنه، سقف صحنه، اتاق فرمان، سقف سالن تماشا، سالن انتظار و نمای بیرون تالار، بالکن، پشت صحنه و امکانات فنی است. این تصاویر جزئی هم عموماً این اطلاعات قابل مشاهده و برداشت خواهد بود: پوشش کف و دیوارها، اتاق گرم و فضاهای اضافی پشت صحنه، موقعیت اتاق فرمان، پشت صحنه، استگاه ویدئو پروژکشن و پرده نمایش، موتور مکانیکی پرده، چیدمان صندلی و مبلمان تالار، سیستم خنک‌کننده و گرمایش، تجهیزات آتش‌نشانی، پلکان سن، راهروها، نمای تالار تماشا، دیمربنا، نور و میکسر صدا و امکانات خاصی نظیر درب ویژه دکور و راهروی پشت صحنه؛ نقشه ترسیمی تالار و پلان شماتیک هم بخشی دیگر از اطلاعات تصویری است. نقشه ترسیمی، بیشتر به مراد استفاده کنندگان اهل هنر تهیه شده تا مثلاً به طور ویژه معماران و مهندسان عمران. پلان شماتیک هم برای معرفی کلیت فضای صحنه و تالار و ورود و خروجها آورده شده. پلانهای که ترسیم شده، عموماً پلانهای است که با مراجعه حضوری گروه پژوهش در داخل تالار برداشت شده و این با نقشه معماری ساختمان و یا تالار ممکن است تفاوت داشته باشد. نقشه معماری در اینجا منظور نقشه‌ای است که ساختمان یا تالار بر اساس آن ساخته شده است. این نقشه‌ها ممکن است توسط پیمانکاران، بنا بر ملاحظات، هنگام ساخت بنا، بطور دقیق، اجرا نشده باشد. بنابراین اندازه‌ها و ابعادی که پلانهای این کتاب بر اساس آن ترسیم شده مربوط به پس از ساخت و احداث سالن است و بر اساس وضعیت موجود و شکل فعلی و اجرا شده تالارهاست. در مواردی نظیر تالار فخرالدین اسعد گرگانی به واسطه ارزش تاریخی و دقت کم‌نظیر معماری آن، همان نقشه و پلان اصلی معماری آورده شده است.

تا کنون اطلاعاتی با جامعیت و به صورت طبقه‌بندی شده از تماشاخانه‌های کشور وجود نداشته است. تنها کتاب در این زمینه همان «تماشاخانه‌های تهران از ۱۲۴۷ تا ۱۳۸۹ خورشیدی» بوده است که توسط انتشارات افراز، ۸ سال پیش منتشر شد. در به ثمر رسیدن این اثر، تلاش گروه مهندسان نقشه و دقت چشم‌فرسای مسعود نوروزی در گرافیک و صفحه‌آرایی سهمی به‌سزا داشته است. در همه مراحل انجام کار، نگاه دقیق و شکیبایی آقای جلال تنجنگی همراه اثر و گروه پژوهش بوده و بسیار مؤثر واقع شده است. لطف بی‌مضایقه مجید داخ در تهیه فهرست اولیه تالارها بسیار کمک‌رسان بود. انجام این پژوهش اگر با حساسیت و درایت آقای مهدی شفیع، مدیر کل سابق هنرهای نمایشی نبود، شاید هیچگاه به ثمر نمی‌رسید. آقای ارمان بهداروند، مدیرعامل سابق انجمن هنرهای نمایشی ایران و آقای اتابک نادری، مسئول امور استانیهای اداره کل هنرهای نمایشی سنگ تمام گذاشتند. در به نتیجه رسیدن این اثر، همراهی صمیمانه آقای شهرام کرمی، مدیر کل هنرهای نمایشی ایران و حمید نبیلی مدیرعامل فعلی انجمن هنرهای نمایشی ایران بسیار راهگشا بوده و هست. و با سپاس فراوان از مهدی حاجیان، لیلی غفاری، علی ایزدی، لیلی پاشاپور، فاطمه عزتی‌نژاد، جواد مستخدمی، لیلی مینایی، فاطمه عسگر بیوکی، روح‌اله ایرجی و قدردانی از آقای نصراله قادری، مدیر انتشارات نمایش و آقای علیرضا لطفعلی و سایر همکاران محترم این انتشارات که در چاپ و نشر این اثر، بی دریغ کوشیدند.